

متن قرارداد های اسارت بار و غارتگر امپریالیستی را افشا کنید

این نخستین گام برای افشای توطئه گری هاست

وزارت امور خارجه طی اعلامیه ای اعلام کرده است که قصد دارد تمام توطئه گری های ایالات متحده آمریکا در ایران - از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا کنون را بررسی و کشف و افشاء کند. این تصمیم بجایی است که در صورت اجرا و چنانچه همسراه با افشاء عوامل داخلی، امپریالیسم آمریکا، از تنوع مقدم مراغه ای ها باشد، نه فقط بسیجنده نیرو های خلق در تعمیق انقلاب، بلکه کمک بزرگی به کندن دریشه های گندیده امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم آمریکا خواهد بود.

ولی کاری که هم اکنون در
مهم زمینه میتوان و باید بدون
تاخیر انجام داد، افشاء و انتشار
اسنادی است که در دست اند و نیاز

به بررسی ندارند. این اسناد،
قراردادها و موافقت نامه های است
که در دوران رژیم محمد رضا در باره
(استخدام، مستشاران نظامی
آمریکایی و «اختیارات» و
«امتيازات» آنها و درباره خرید
اسلحه و نیز در دیگر زمینه های
بازرگانی، بانکی، تأسیساتی
و غیره انعقاد یافته است.
آقای دکتر یزدی، که در
دوران تصدی وزارت خارجه
همواره وعده میداد که این
قراردادها پس از «بررسی» فاش
خواهد شد ولی این باسلاح
«بررسی» تمامی نشدند. اخیراً
درباره یکی از سخنرانی های
متعدد خود، ضمن اشاره بحضور
مستشاران نظامی آمریکا در ایران
اظهار داشته است که:

بقیه در صفحه ۵

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۱۵
۴ شنبه ۲۱ آذر ۱۳۵۸ - شماره ۱۰ ریال

۲۱ آذر ۱۳۳۴

روز قیام خلق آذربایجان برای دفاع از آزادی، استقلال و تمامیت ارضی ایران

صفحه ای در خشان در
تاریخ جنبش رهایی -
بخش ضد امپریالیستی
ملت ایران

صفحه ۴

یاد هزاراتی شهادت فرقه دمکرات آذربایجان گرامی باد!

در سرکوب جنبش دمکراتیک خلقی آذربایجان و کردستان ایران، بیش از ۲۰ هزار نفر در شهرها و روستاها بوسیله مأمورین نظامی و اوباش بقتل رسیدند و ده ها تن از مبارزان نهضت دمکراتیک تهرانیان یا مدار آویخته شدند. نام اکثریت مطلق این شهیدان راه استقلال و آزادی ایران در کمال تأسف شناخته نیست، ولی یاد این شهیدان گمنام همیشه گرامی است.

در همان حال ما بنا بونویسه خود همواره در جستجوی سوابق زندگی و مبارزه این شهیدان بوده و هستیم. اینک در سالروز قیام خلقی آذربایجان اطلاعاتی را که درباره ۷ تن از شهیدای فرقه دمکرات آذربایجان در زنجان بنیست آوردیم، به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم.

در روز دوم آذر ماه ۱۳۲۵، قوای مسلح ارتش دست نشانده و ضد خلقی، بفرمان پسر رضاخان، اولین تجربه هجوم مسلحانه به خلقهای حقیقی و آزادیخواه ایران را آزمایش کرد. ارتش و زاندار می بفرماندهی سرتیپ هاشمی و سرهنگ بایندر وارد زنجان شدند و با همکاری اراذل و اوباش و بایستیانی جانی معروف محمود نورافشاری، برای انتقامجویی از مردم زنجان دست بقتل و غارت و کشت و کشتار مردم بیدار زدند. آنها مبارزان فرقه دمکرات را در حرا دیدند، گرفتند و شکنجه کردند و کشتند. آنان بدفترخانه ملا محمدعلی خولینی آل اسحق حمله کردند و این روحانی مبارز را، که عضو فرقه هم بود، بطور فجیعی زدند و طناب بگردن او بستند و از طبقه دو ساختمان بوسط خیابان پرتاب کردند و سپس جسد نیمه جان را در خیابانها و کوچه پس کوچه ها بروی زمین کشیدند. دزخیان حتی به جان کودکان و زنان هم رحم نمیکردند و آنان را مورد اهانت و زجر و شتم و شکنجه قرار میدادند.

در آرزوی پسر رضاخان با برجگزاردن سدها شهید، معلول و زخمی، ظاهراً اولین جام بیروزی را سر کشید، ولی در واقع اولین کلنگ گور خود را در همان سال بر زمین زد. نهالهایی که از خون این شهیدان قبرستان سر از خاک بدر آورده، بالاخره پس از ۳۰ سال گریبان منحوس را گرفت و خلق بیباک، او و خاندان کثیفش را سرنگون کرد. برای ابد به زیاده دان تاریخ افکند.

در این روز سیاه، عده زیادی از اعضای فعال فرقه دمکرات آذربایجان از جمله رفقا عزیز بصیری - محمدعلی لیم آوری - رضا مقدم زنجانی - علی قربانی - حسین فدائی و محمدعلی تیکمه دانش بشهادت رسیدند و نام نیکشان را برای همیشه در تاریخ مبارزات خلقی ایران به ثبت رساندند. خاطره تابناک این شهیدان را گرامی می داریم.



این چهره رنج دیده و خشمگین دهقانان فارس جان فراهان اراک است، فریاد می زنند: صد ها هزار کشته، صد ها هزار زخمی، دیگر نباید سازش ...



این صف عظیم دانش آموزان است. دانش آموزان مدرس راهنمائی و دبیرستان سنایی (ناحیه ۵) با مشت های گره کرده آمریکا را محکوم می کنند.

با حضور صفوف دهقانان، جوانان، دانش آموزان، در مقابل لانه جاسوسی:

آتش نشان خشم ضد آمریکائی همچنان می خرد ...

صبح روشن و سپید مفرورانه بالهای زندگی بخش خود را بر خیابانهای خواب آلود شهر می گستراند. مرد پروزی دیگر را آغاز می کنند. سر از خواب که برمی دارند، همه از هم می پرسند: امروز نوبت کیست؟ امروز کدامین صف از خلق رزمنده ما به میعادگاه می رود؟ دگر بار کدامین مشت های گره کرده، راه را به سوی رهایی می گشاید؟ آیا امروز باز از کوه بلند غرور و رهایی چشمه های دیگر می جوشد؟ امروز کدامین مسلسل خشمی، آمریکا را تیرباران خواهد کرد؟

اما ای مستگران بدانید می دیگر، لحظه ای نه چندان دور، از راه خواهند رسید. با عشق و پر توان، با مشت های گره کرده انتقام، به عظمت تمام خشمهای دنیا از افق فرامی رسند، از جاده بلند مبارزه می آیند تا شق زرم را در پشت سنگر ضد امپریالیستی تجربه کنند.

در صفحات بعد

در پشت ستاره و نوارها

در باره قدرت و حاکمیت انحصارهای سرمایه داری آمریکا

کوشیم در نجات ملل - شعری از موج

مراسم سالروز ۱۶ آذر در مشهد

فردا، خیلی دیر است -

باز هم در باره لزوم پاکسازی

آقای یزدی! چرا زودتر نه؟

تقاضا برای انحلال حزب جمهوری خلق

مسلمان گسترش مییابد

چرا توده ای ها به عمد فراموش میشوند؟

در حاشیه برگزاری مراسم ۱۶ آذر

تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

در پشت ستاره و نوآرها

در باره قدرت و حاکمیت انحصارهای سرمایه داری آمریکا

در پشت ستاره ها و نوآرها، مجسمه غول پیکر آزادی در جزیره مانهاتان، عوام فریبی های بی حد و پایان درباره «آزادی»، «جهان آزاد»، «حقوق بشر»، «حاکمیت قانون»، «بزرگترین دموکراسیهای دنیا»، «شیطان بزرگ نشسته است. ما کسیم گورکی، نویسنده بزرگ روس، آنرا «شیطان زرد» نامیده است، یعنی شیطان طلا، شیطان سود. در واقع نیز نه خدا و نه مسیح در این «سرزمین پرکت یافته» پرستیدگان واقعی نیستند، بلکه این «گوساله زرین سامری» است که در آنجا پرستش میشود. «سود»، «موفقیت در تجارت»، «بیزنس»، اینهاست واژه های سحر انگیزی که جامعه آمریکا را اداره میکند.

جهانگردان ناهربین، که به ایالات متحده آمریکا میروند، از رشد عظیم تکنیک، ثروت خیره کننده این سرزمین، و آرازمه ولی نه کترازمه، از آزادی، در این سرزمین سخن میگویند، آزادی مافیا برای بدون بانکها و کودکان، آزادی قاچاقچیان هرئین، آزادی میسها، آزادی «کوکلوکس کلان» برای کشتار سیاهان، آزادی ستارهها برای عوام فریبی، آزادی «پرژیتس»ها برای براندازیهای مسلحانه و تلویزیونهای رنگین برای گمراه سازی راجل اخبار و راست ورسی کردن «دلفن»های سفسله آمیز... آزادی همه چیزهایی که «شیطان طلا» آنرا برای خود سودمند می یابد.

در پشت پرده ستاره ها و نوآرها، مجسمه آزادی، آسمان خراش «لوارت»، شهرهای عظیم، بنکاهای صنعتی خودکار، بزرگراه های آبادی و پیلای هوائی پیچ در پیچ، چه کسی سیر این سرزمین برکت شده، حکومت میکند، انحصارها، انحصارهای چندین ده میلیارد دلاری، که تنها بر آمریکا، بلکه بر جهان سرمایه داری سروری دارند و محصولات و خدمات آنرا از قبیل پیوتونه، ممبرضا و امثال آنرا در «جهان سوم» بوجود می آورند.

انحصار چیست؟ انحصارهای امروزی کشورهای بزرگ سرمایه داری فرزندان ترمز تدریجی مؤسسات بزرگ صنعتی هستند، یازد نتیجه اتحاد چند بنگاه بزرگ صنعتی بوجود آمده اند. این انحصارها بخش عمده ای از محصول یک رشته یا چند رشته را در دست دارند و باین وسیله امکان می یابند بهای محصولات آنرا که در این رشتهها تولید میشود، بشکل انحصاری تعیین کنند. یعنی در آن حد و آن طور که دلشان میخواهد، زیر اثر ترس از رقابت مؤسسات ناتوان تر و کوچک تر ندارند. و چون بهای محصولات را بشکل انحصاری تعیین میکنند، لذا بجای سود متوسط سرمایه دار قدیمی، سود حداکثر دست می یابند.

انحصارها به اشکال مختلفی هستند. ساده ترین شکل آنها عبارتست از «ارت» به دروی قیمت که «رتینگ»، «کارنر» و «کوتینن» نام دارد. ولی به اشکال رشت یافته تر و شدیدتر انحصارها بدینستند که «کارتل»، «سندیکا» سرمایه داری، «تراست» و «کسرن» نام گرفته اند.

ما وقت خواننده را برای توضیح و تعریف این اصطلاحات نمی گیریم و سراغ انحصارهای آمریکا، که اربابان واقعی این سرزمین آزادی این سرزمین مورد توجه شخص مسیح، این سرزمین پرکت یافته «لیکلمن» و «چرفسون» هستند، میرویم.

این مثلث حتی در سال ۱۹۰۹ قریب ۴۲ درصد تولید اتومبیل را در دست داشته است. در سال ۱۹۲۰ دیگر ۷۱ درصد تولید اتومبیل آمریکا در قضاوت بود. در سال ۱۹۷۵ این سه شرکت غول پیکر ۹۷ درصد تولید اتومبیل آمریکا یعنی عملاً همه تولید را در بنجه قدرت مند و آزمند خویش گرفتند. صنایع مونتاژ اتومبیل سازی، نحیف و ناتوان کشورها نیز طعمه ای در چنگ غولانی مانند کرایسلر بود و هست.

بزرگترین بنگاه اتومبیل سازی جهان غول عظیم «جنرال موتورز» است که در ۷۰ شهر ایالات متحده دارای ۱۲۷ بنگاه صنعتی است. این بنگاه مهمترین انحصار اتومبیل در جهان است. علاوه بر ایالات متحده، «جنرال موتورز» هفت بنگاه صنعتی در کانادا ساخته است و در ۲۸ کشور دیگر دارای شعبه است. ۵۶ درصد تولید اتومبیل آمریکا در دست این «کسرن» متمرکز شده و ۷۰۰ هزار نفر در مؤسسات مختلف آن کار میکنند!

خود شما یک لحظه بیاندیشید! جنرال موتورز تنها یکی از اجزای انحصاری و آنهم در رشته صنایع اتومبیل است. اجتماع ایس و جالان آژمنده، سوپرست که چشمان آنها جز نفع خود برای غلبه بر رقیبان چین دیگری را نمیبیند، چگونه میتواند آن «بهشت آزادی» را بوجود آوردند که روزنامه نویسهای آمریکا بوق آنرا «سر زنده» و برخی جهانگردان ساده لوح ما آنرا باور میکنند! انحصار سوپرستان، انحصار قدرت شیاطنی است در بدترین شکل آن.

از توصیف انحصارهای آمریکائی صنایع اتومبیل، جادارد کمی درباره انحصارهای فلزکاذبی این کشور سخن گوئیم. در اینجا هشت انحصار سیطره دارند. از آنجمله اند: «پونایتیت ستیل کورپوریشن»، «پیت لحم ستیل کورپوریشن»، «ری پاپلیک ستیل کورپوریشن» و غیره. در دست این طاغوت های خرابول، هفتاد درصد تولید فولاد آمریکا متمرکز است. در میان دروهای کوه پیکر انحصار جهان، که تعدادشان به هشت بالغ است، انحصار «پونایتیت ستیل کورپوریشن» یکی از آنها است. خانواده وارده میلیاردی «مرگان»، «پولکت» انحصار را در قلمرو دارد. این انحصار دارای چهل بنگاه حشکنت صنعتی و صنایع در آمریکاست و همچنین شرکت دختر، رادر آمریکا و دیگر کشورهای جهان کنترل می کند و به تنهایی برابر دو کشور صنعتی ایتالیا و استرالیا پولاد میکنداند.

گروه دیگر انحصارهای سنگین وزن آمریکا، که سر نوشت غم انگیز مین مسادا در دست داشته اند و متأسفانه هنوز دارند، انحصارهای نفتی هستند. قدرت بویژه در دست چهار انحصار نفتی است مانند «اکسون»، «گلف ایل» و غیره. این چهار شرکت ۵۵ درصد سرمایه مؤسسات نفتی آمریکا در دست دارند. «اکسون» بزرگترین بنگاه نفتی جهان است و در آمریکا و جهان ۲۰۰ شرکت را کنترل میکند، که در سال دویست میلیون تن نفت تولید میکند و گرومائی «را کفلر» بر اساس آن فرار دادند.

این آقای «محتر»، این ماوراء میلیاردی سیهو نیست، یکی از ادبایهای محترمنا بود و این روزها بدست خادم «دیلنات» و «توروسین» خود هنری کسینجر، سی داند نوکر تاجدار در دبد خود را از چنگ خشم خلق ما و مردم جهان نجات دهد. جهای تعجب! مگر آنها میلیارها و موسولینیها را نیافریدند؟ مگر جانان بالفطره ای مانند پینوشه، تر و خیلو، سینکهای ری، وان تیووک فلار دور دراز از این «عجائب

خلقت» در گوارده لطف خانواده شوم را کفلر ها پرورش نیافته اند؟ نظیر انحصارهای پیش گفته، در رشته صنایع آلومینیوم، شمش و آلکترونیک نیز وجود دارند که ذکر اسم آنها مایه صدام است

و بد نیست با انحصارهای اسلحه سازی، این سوداگران سیاه مرگ، یکی دیگر از اربابان شاه مخلوع بوده اند، از نزدیکتر آشنا شوید. از شرکت فوق العاده معتبر آمریکائی، ۲۴ شرکت، شرکت اسلحه سازی است! این رقم شمارا متعجب نکند. زیرا سوداگری اسلحه بسیار سودآور است و سود این مؤسسات، دولی سه برابر سود مؤسساتی است که محصولات غیر جنگی تولید میکنند و حتی سودشان از سود اکثر آن ۵۰۰ انحصاری که کفایت از بزرگترین انحصارهای آمریکا هستند، بیشتر است. مثلاً متوسط سالانه سود ویژه شرکت اسلحه ساز «جنرال داینامیکس کورپوریشن»، با حذف مالیات، در سالهای ۱۹۶۵ تا ۱۹۶۸، به میزان ۱۶/۶٪ بوده است.

شرکت دیگر اسلحه سازی بنام «ال تی وی» (لینک-بتمکسوات) سودی برابر ۱۹/۳٪ داشته است. وحال آنکه سود متوسط پساند انحصار غول پیکر در حدود ۱۱/۹ درصد بوده است.

سود این جانوران مرده خوار و نیز نهنگان نفت آشام در سالهای اخیر از این مبلغ بالاتر رفته است. چه باک! در حالیکه جهانی در لجن گرفتاریهای روزمره زندگی بیشتر فرو میرود، این سلطانیان بی وجدان بیشتر بر چسب بارش زر تکیه می زنند. جهان باید با جهالت، خفت پذیری و سادگ لوحی خود را باین کردنه کیران و حشمتاک تاریخ ببرداند

انحصارهای آمریکا نه تنها بر کشور خود که بر جهان سرمایه داری سیطره دارند. مثلاً ۵۰ درصد کل سرمایه گذاری جهانی اتومبیل در دست سه شرکت نامبرده اتومبیل سازی آمریکا است و از بزرگترین انحصارهای جهان، ۱۶۳ انحصار آمریکائی است و هنوز رشد روز افزون سهم این و آلمان غربی نتوانسته به این تسلط زیان قاطع وارد سازد. در معامله دوزخیه «نفت-اسلحه»، که انحصار طلبان آمریکائی اختراع کرده اند، و خانواده های خان «پهلوی» در ایران و «آل سعود» در عربستان سعودی از مجریان حلقه «بکش آن هستند. تمامه کاری و چر کبکی سیطره انحصارها مترام شده است.

هر یک که فقر را که زمانی به ۲۵ دلار در بازار جهانی می فروختند (حالا این بها بیشتر شده است) از شاه مخلوع به بهای یک دلار می خریدند و سپس بهای اسلحه را ساعت به ساعت بالا می بردند (گاه تا چهل برابر!) اسلحه ای مانند «هواپیماهای اف-۱۸»، «هواپیماهای آواکس» یا دستگا الکترونیک «آپیکس»، که شاه مخلوع به بهای میلیاردی از آمریکا خرید. اصلا در جهان خریدار نداشت.

موجود ماوراء خائنی مانند شاه مخلوع، که از سر زمین و مردم خود نفرت داشت تلازم بود تا این معامله دوزخی را اجراء کند.

کوشیم در نجات ملل

ما و ستمکشان جهان هم در دو هم نواهی همیم بیگانه با ستیز و نفاق یاران آشنای همیم افتد بکارها چو گره از جان گر هگشای همیم هم بستگی ترانه ماست آزادیگی نشانه ماست

در چرخ آزروی بشر يك اختر است رهبرما لئون دوم رسیده و باز گیتی نفاست اختر ما از نور این ستاره سرخ خون میرسد بیبکر ما خورشید هادمد زدمش باشد حیات بی عدهش

ما کیستیم؟ مرد وزنی آراسته بعزم بسند حلال مشکلات زمان با متعلق زمانه پسند شیران ایشه های وطن زنجیرها گسته بسند دریا دلان سینه به جوش جوشندگان پر زخروش

زندانیان روز و شبان تعیدیان سال و همیم درد شکنجه دیده مدام وز بند رسته گاه گهیم قسربانیان تیغ ستم آزادگان بسی گنهم ماییم وز رسم و راه درست برب همان شعار نخست

بوینده طریق حقیق جویبنده رفاه بشر داننده رموز حسیات خسواننده سرود ظفر شوینده سیاهی شب گویبنده پیام سحر روشن روان ز پر توضیح تابنده بر قلمرو صبح

پیر و جوان و خرد و بزرگ شاد از رفاه یکد گریم سرخ و سپید و زرد و سیاه پویای راه یکد گریم کرد و بلوچ و ترک و عرب پشت و پناه یکد گریم وحدت یگانه قدرت ماست قدرت نشان وحدت ماست

بدخواه صلح و طالب جنگ از زرم ما، زیون شده بیست آمریک، این بریده ز عقل سرگشته از جنون شده بیست این ز آب و شوه شده بسور فواره نگسون شده بیست طبل بستم سر بسر شده چاک ما را ز پوست پاره چه باک؟

در کاروان ما که بخلق بخشیده نوید شود، بویبده می مباد، مباد کز پویه نا امید شود کوهی گر از موانع سخت در هر کور آن پدیدده شود، پوییم از فراز قلل کوشیم در نجات ملل

آذر ۵۸ موج

بگفته قرآن «فاعتبرو یا اولسو الابصار» - ای کسانیکه دیدگان بینا دارید، عبرت گیرید!

کمیته اول مجمع عمومی سازمان ملل متحد صهیونیستهای اسرائیل را محکوم کرد
کمیته اول مجمع عمومی سازمان ملل در قلمنامه ای ترض فاحش حقوق بشر بوسیله صهیونیستهای اسرائیل در سرزمینهای اشغالی را شدیداً محکوم کرد. در قلمنامه آمده است که افرایان داشتند در ترانه غربی رود اردن و نوار غزه زیر شکنجه قرار می گیرند. قلمنامه یادآور می شود که تمیز وضع حقوقی سرزمینهای اشغالی غیر قانونی است. اسرائیل و آمریکاجامی اصلی صهیونیستهای تل آویو به این قلمنامه رأی مخالف دادند.

تحریرکات چین علیه ویتنام ادامه دارد
جمهوری سوسیالیستی ویتنام اعلام کرد که چین به تحریکات مسلحانه خود در امتداد مرز دو کشور ادامه می دهد. نیروهای چینی در یک هفته گذشته چند بار با بخش ویتنام نفوذ کرده و عده زیادی غیر نظامی را کشته و اموال روستاییان را غارت کرده اند. دولت ویتنام اوضاع در مرزها چین را «جدی» اعلام کرد و یادآور شد که رهبران چین خود را برای تهاجم گسترده دیگر علیه ویتنام آماده می کنند. چین، که ویتنام را متان اصلی توسعه طلبی خود در آسیای جنوب شرقی می داند، قصد دارد با اصطلاح «درسیگیری» به این کشور بدهد، ولی مسلماً این بار هم از خلق قهرمان ویتنام شکست خواهد خورد.

از کمکهای رفقا و دوستان سپاسگزاریم

- عماد از هواداران حزب در دوازده شیران ۱۵۰۰۰ ریال
- محمدمهدان خواه ۱۰۰۰ ریال
- بک هوادار حزب از کرج ۳۰۰۰ ریال
- بک هوادار حزب از کرج ۳۰۰۰ ریال
- حسین کیهان (کلک به حزب بیدری) ۸۰۰ ریال
- ناصر خرینایی ۵۰۰ ریال
- آزآبادان ۲۰۰ ریال
- ۱۵۰ از مردوش فارس ۵۰۰ ریال
- ۲۷ از شیراز ۱۰۰۰ ریال
- آرش از کازرون ۱۲۰۰۰ ریال
- ۷۹ از شیراز ۳۰۰۰ ریال
- سرنین ن. یازده ساله از شیراز ۵۰ ریال
- ویکدستگاش ماشین حساب برای دفتر ۱۰۰۰ ریال
- خوانندگان مردم از بستک بندر لنگه ۱۰۰۰ ریال
- گروه حکیم از بندر لنگه ۳۰۰۰ ریال

توجه! از همه دوستانی که بپوشه از حساب های بانکی حزب توده ایران وجهی را بفرستند، خواهشمندیم فتوحی آنرا برای ما ارسال دارند.

کالای آمریکائی نخریم!

نزد فردما مصرف کالای آمریکائی را بر خود تحریم کنیم، تولید داخلی خود را ادج نهیم و کالای آمریکا را بر سرش بکوبیم. با نقل ریشه تسلط امپریالیسم بر کردگی امپریالیسم آمریکا از مین ما، سرانجام دوران «مردمیت» پایان خواهد یافت. با تأمین استقلال و آزادی کامل ایران، به رفاه و عدالت اجتماعی نیز خواهیم رسید. خود را برای یک دوران محدودیت آماده کنیم و جامعه انقلابی خویش را با روح فطاعت فدائگری و بسامندی در برابر امپریالیسم جهاننوار آمریکا پیش از بیست ما نوس سازیم.

اخبار کارگری

در کارخانه کاشی سازی حافظ

کارخانجات کاشی و سرامیک حافظ ، واقع در کیلومتر ۲۸ جاده شیراز - تخت جمشید دارای ۳۶۰ نفر کارگر ، کارمند و سهندس است. تولید این کارخانه کاشی سفید و الوان است، که مواد اولیه آن یکی خاک سرامیک است، که در ایران تهیه میشود و دیگری لعاب است که بایستی از خارج (کشورهای اروپایی) تهیه گردد. پس از انقلاب پیروزمندی ایران ، این کارخانه می رفت تا ملی شود. چون کارفرما صاحب کارخانه کاشی سعدی تهران و چندین فروشگاه و مرکز تولیدی دیگر است، پولی برای کاراندازی مجدد نفرستاد. درعین حال مبلغ هنگفتی بابت وام (۳۰۰ میلیون تومان) به دولت بدهکار بود. ملی شدن کارخانه از طریق رادیو اعلام گردید، لیکن چند روز بعد از آن، کارفرما به شیراز آمد و پس از بندوبست با برخی از مراجع، امور مالی کارخانه را به دست آقای حاج اسدپور سپرد ، از طرف وی آقای حاج معتمد، با تأیید کارفرما، به ریاست کارخانه انتخاب گردید.

اولین قدم ایشان انحلال کمیته کارگری کارخانه بود. پس از آن با تولیدی مختصر- در حدود یک سو- تولید عادی کارخانه (کارخانه می تواند تا روزی ۲۰۰ هزار کاشی تولید کند) و فروش محصول، مقداری از بدهی های خود را به کارگران پرداخت کرد، که آن هم همواره با ترس از تعطیل شدن کار همراه بود. زیرا بعد از چندین لعاب تمام میشد و کارگران بایستی چشم انتظار رسیدن لعاب از تهران از طرف کارفرما می ماندند. کارگران کارخانه در طول این مدت درگیر مشکلاتی بودند و هستند که عمداً از طرف مدیریت کارخانه برای بهم زدن نظم کار و کارخانه برای تنه کردن کارگران به کم کاری و اختلال و نیز اخراج برخی از کارگران حامی منافع کارگری فراهم می آمد. در طول این کم کم کشی ها تاکنون کارگران دورتبه خواهان برکناری رئیس کارخانه شده اند. لیکن وی با تردستی به کارخانه بازگشته و هر باز کینه توزانه تر از پیش به توطئه و ضدیت با کارگران ادامه میدهد. گفتنی است که تعداد کمی از کارگران کارخانه که در رژیم گذشته چاپلوس مدیران ساواکی کارخانه بوده اند، و اینک در پس ظاهر مذهبی مخفی شده اند، در این دسیسه ها شرکت میکنند.

در کارگاه های قالی بافی چه میگذرد؟

کارگاه های قالی بافی ایران ، که حدود یک میلیون کارگر را در خود جای داده اند، همزمان با تبدیل شدن تولید کالای ساده به تولید کالای سرمایه داری ، بخصوص در پنجاه سال اخیر، میل به زوالی خونخواری شده اند ، که شیره جان هزاران کارگر ، از پیر و جوان و دختر و پسر را می مکند. وضع بهداشت در تمام این کارگاه ها، باندک تفاوتی، یکسان است. کودکان از سن ۷-۶ سالگی به این کار شاق گماشته می- شوند و بظالم جو آلوده به گرد و خاک و خرد زهریهای چشم و نبود نور کافی به بیماریهایی از قبیل سل و ضعف حس بینایی مبتلا میگردد و غنچه های باغ زندگی زحمتکشان، نشکفته بربر میشوند. به مصداق ضرب المثل دشت نمونه خروار، نگاهی گذرا به کارگاه قالی بافی حاج نظام نجفی می افکنیم: این کارگاه با ۱۵۰ نفر کارگر و ۳۰ دستگاه قالی بافی (سابق براین ۳۶۰ کارگر و ۶۰ دستگاه قالی بافی داشت) یکی از بزرگترین کارگاه های قالی بافی شهرستان تبریز است و در انتهای خیابان حافظ ، کوچه حاج نظام قرار دارد. ساختمان کارگاه سالی است بایک محفظه شیشه ای در سقفش ، که تنها روزنه ایست که از آن نور خورشید بدرون می آید. از شدت گرد و خاک و ... نشیوند به سانس وارد شد. در این کارگاه از کودکان ۶-۷ ساله گرفته تا پیر مردان ۶۰ ساله کار میکنند و پیوسته نقشبای بدیع میریزند و از خون خود سائبای پذیرائی نیرومندندان و سفره کارفرما را زینت می بخشند. کارگران همگی بریده رنگ و افسرده هستند و با آنک موزون یکسما دهن می گویند و باهم دم میگردند و غم و اندوه بی پایان خود را با صدای حزین در قالب ترانه می ریزند. در این کارگاه کارگران بصورت روز مزد از قرار هر «لای» ۱۲۰ ریال مزد میگیرند ، که قبل از انقلاب بالغ بر ۱۵۰ ریال میشد. کارگرانی که از سیده صبح تا غروب آفتاب کار میکنند ، بیشتر از ۱۰۰ ریال (برای استادکار) و ۲۰۰ ریال (برای کوچکترها و شاگردان) حقوق دریافت نمیدارند. از بهداشت و حمام و سانس غذاخوری و بیمه ... خبری نیست. حتی کارفرما با پول خود کارگران حاضر به تهیه غذا برای کارگران نیست. کارگرانی که ۱۷ - ۱۸ سال سابقه کار دارند، زیادند و سه نفر از این کارگران که مجرات کرده و خواستار رعایت قانون کار و حداقل حقوق تعیین شده از طرف وزارت کار شده بودند، از کارگاه اخراج شده اند. آنها بدین مناسبت به اداره کار شکایت کرده اند. استشار کارگران به شدیدترین صورت ممکن انجام میگردد. چنانکه مثلا از فروش یک قالی ۱۵ هزار تومانی، فقط ۲۵۰۰ تومان به کارگران داده میشود و بقیه را کارفرما بالا میکند. بهمین دلیل حاج نظام نجفی، که با سرمایه اندکی شروع بکار کرده بود ، حالا دارای میلیونها تومان سرمایه است. این کارفرما خودش قانون وضع میکند و خودش آنرا به اجرا در می آورد و حتی کارگران را تکک میزند.

شرایط کار کارگران در کارخانه قند کرج

کارخانه قند کرج در نزدیکی کرج واقع شده است. این کارخانه قبلا متعلق به هوزیرستانی بود، که در زمان انقلاب دستگیر شد، ولی پس از مدتی آزاد گردید و به خارج گریخت . در حال حاضر کارخانه با بودجه و سرمایه گذاری دولت کار میکند و روزانه ۱۵۰۰۰ کسه شک ، هر کسه ۱۰۰ کله، تولید



گوشه ای از مراسم یادبود شهیدان ۱۶ آذر در مشهد

مراسم سالروز ۱۶ آذر در مشهد برگزار شد.

شهدا پیام اتحاد دادند...



سیاوش کسرائی، شاعر خلقی، در مراسم یادبود شهیدان ۱۶ آذر در مشهد شعر میخواند

ساعت پنج زمان میعاد است، زمان جان گرفتن سه شهید در تصویر رهائی خلق. درهای تالار رازی گشوده میگردد. همیمانان قدم به درون تالار میگذارند. نفس هر کدام در عشق یکدیگر جان میگردد. بروی پرده سن ، سه چهره، ۳ نام، نقش بسته است: بردگ-نیا، قندچی، شریعت رضوی. آنها گلپای سرخ باغ مبارزه خلقند. گوئی با هم سنکشان سخن میگویند: «دانشجوی خط امام، بر تو درود بر تو سلام».

بعد از پایان قرائت بیانیه دانشجویان دمکرات، نوبت به نسل تازه نفس میرسد. از راه میرسند، با قدم های کوچک و آوازی بلند، آبنابیز پیامی دارند. یکی از پرشور ترینشان پشت میکروفن، پیام کانون دانش آموزان را میخواند. آنها نیز همصدا با خلق قهرمانان از اشغال جاسوس- خانه آمریکا حمایت میکنند و برای تعمیق بخشیدن به این مبارزه، «جنبه متحد خلق» را بر علیه آمریکا شعار میدهند. پویا و پرتوان خواستار اتحاد و همبستگی اند. رفیقی از بلندگو چنین سخن میگوید: «خلق ویتنام پوزه هاترترین امپریالیسم جهانی، یعنی امریکارا، با تالاشی پیگیر و اتحادی عمیق به خاک میمالد».

باشندید این پیام، قلب جمعیت برای ویتنام تبدی می آید. خون به جوش آمده شان از یادآوری جنایات آمریکا بفریادی رعد آسا بدل میگردد: «پرتوان، برخورش، نبرد با آمریکا»

ارتعاش صدای آنها در بعد زمان انعکاس مییابد و عالمگیر میشود. گوئی تمام محرومین جهان یکصدا فریاد میکنند: آری، این زمین است که فریاد میکند، این صدای خلقهای ستم دیده است که خورشید را بخود میخواند. سپس گزارش کوتاه اجلاس کمیته اجرایی اتحادیه بین المللی

بود. این کارخانه سالانه به مدت ۲ الی ۳ ماه آن هم در فصل پاییز بطور مداوم کار میکند و بقیه سال را میخوابد ، چون چندتر قند تنها در فصل پاییز بدست می آید. بر همین اساس اکثر کارگران کارخانه موقتی هستند، بطوریکه از ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر کارگر کارخانه، بیش از دو سوم آنها فصلی و موقتی هستند. ولی حقوق کارگران دائمی و موقتی چندان باهم اختلاف ندارند و بطور متوسط روزانه ۹۰ تومان برای ۱۲ ساعت کار روزانه یا شبانه دریافت میکنند. کارگران موقتی از بیشتر مزایا محروم هستند و با اینکه اکثریت کارگران کارخانه را تشکیل می دهند ، برخلاف کارگران دائم ، سندیگا و یا شورای کارگری ندارند و نیز با اینکه اکثر آنها نزدیک ۱۰ سال سابقه کار دارند ، بدون اینکه دفتر بیمه داشته باشند، ماهانه ۲ درصد از حقوقشان را بنام «حق بیمه» کم میکنند. از حق سکن و سایر احتیاجات حداقل کارگران در کارخانه نیز بی بهره اند.

کارگران دائمی و موقتی هر دو ۱۲ ساعت را یکسره کار میکنند و حتی نهار را نیز که از بیرون می آورند (چون کارخانه نهارخوری ندارد) سر کار میخورند. روییافته کارگران این کارخانه از وضع خود نسبت به زمان قبل از انقلاب راضی هستند، چون قبل از انقلاب برای هر ۱۲ ساعت کار بطور متوسط ۵۷ تومان دریافت میکردند، ولی حالا بین ۸۰ الی ۱۰۰ تومان دریافت میکنند . کارگران از بیشتر وقایعی که در بیرون از کارخانه میگذرد، بی اطلاع هستند، چون هم رادیو ندارند و هم فرصت گوش دادن به آن را ندارند.

اکثریت کارگران که موقتی هستند، بیشتر فصول سال را در دهات (بویژه دهات زنجان) میگذارند و بخوبی در صنعت شهری جذب نشده اند.

کارگران دائمی و موقتی هر دو ۱۲ ساعت را یکسره کار میکنند و حتی نهار را نیز که از بیرون می آورند (چون کارخانه نهارخوری ندارد) سر کار میخورند. روییافته کارگران این کارخانه از وضع خود نسبت به زمان قبل از انقلاب راضی هستند، چون قبل از انقلاب برای هر ۱۲ ساعت کار بطور متوسط ۵۷ تومان دریافت میکردند، ولی حالا بین ۸۰ الی ۱۰۰ تومان دریافت میکنند . کارگران از بیشتر وقایعی که در بیرون از کارخانه میگذرد، بی اطلاع هستند، چون هم رادیو ندارند و هم فرصت گوش دادن به آن را ندارند.

حس بزنید! این تحلیل از آن کیست؟

در جریان شور و برانگیختگی مردم علیه آمریکای جابچکار. تمهیداتی چیده شده تا مسأله حیاتی قانون اساسی و مشکلات روزافزونی مانند ترافیک و بیکاری و سوءاستفاده از قدرت به فراموشی سپرده شود و هر کس در این باره حرفی زد و ایرادی گرفت، آمریکایی و عاملی آمریکا قلمداد گردد. «افتتاح سفارت آمریکا» که قرار بود يك اقدام ضد امپریالیستی باشد، بهانه ای برای خاموش کردن انتقادات و اعتراضهای داخلی است. «... میاد (مردم) فریب شماره های بزرگ شده ارتجاع و وابستگان امپریالیست را بخورند. مبارز یکدم اقتدار و لطیفات و جوهر بجای مبارزان واقعی ضد امپریالیسم، رهبری مبارزه را بدست گیرند که بر انجام آن سازش با امپریالیسم و تحکیم پایه های آن در مین ماست».

«انحصار طلبی و قیام مراکز قدرت و تهمت زنی بصدیکران در واقع آب به آسیاب دشمن ریختن است».

اندکی بیاندیشید، پاسخ مورد نظر را حدس بزنید و جواب صحیح را در صفحه (۵) ملاحظه کنید.

اطلاعهایی به دفتر مردم، رسیده است: اطلاعیه انجمن آذربایجان

انجمن آذربایجان ضمن تکذیب خبر مذبذب در روزنامه خلق مسلمان دایر بر شرکت در در دهانی روز دوشنبه ۵۸/۹/۱۹ حزب جمهوری خلق مسلمان و سایر سازمانهای ذکر شده، بدینوسیله حمله به اقامتگاه حضرت آیت اله العظمی سید کاظمشیرمتمدادی را تقیح نموده و ترتیب چنین اعمال رذیله را معمول خاست- اندیشی عوامل امپریالیسم آمریکا و سازمانندگان رژیم منحط پهلوی می دانند که منظور از آن مشوب کردن توده های حماسه آفرین آذربایجان می باشد ولیکن با توجه به آگاهی توده های انقلابی ایران عموماً در خلق قهرمان آذربایجان خصوصاً هرگونه نقشه های توطئه کاری آشکار و پنهان امپریالیستی از پیش محکوم بوده و تعداد انقلاب ضدامپریالیستی و رهائی بخش خلقهای تحت ستم ایران به رهبری امام خمینی رادو بیرونی بر هرگونه تفرقه افکنی و انحراف از راستای انقلاب بزرگ مردم ایران میباشد. انجمن آذربایجان

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار را ندارند، میتوانند روزهای جمعه از ساعت ۹ تا ۱۱ صبح و از ۵ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر، ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند.

مورد احتیاق حق کارگران و دیگر مستضعفین، هنوز هم کنه ماه از انقلاب میگذرد، عمل وزارت کار با موضعیکی امام منطبق نیست؛ می پرسد، آیا ضد انقلاب داخلی نمی تواند با استفاده از این ضعف بهترین بهره برداری را به نفع اربابان خارجی اش بکند؟ می پرسد: آیا وزارتخانه های که بسا این روش با کارگران برخورد میکنند، می تواند شایسته انقلاب ما باشد؟

دانشجویان خوانده میشود. خورش جمعیت بادیدن شاعر خلقی، سیاوش کسرائی، به اوچ خود میرسد. جمعیت کف میزند، شعار میدهد: «درود بر کسرائی، شاعر انقلاب». سبدهای گلی که برای کسرائی آورده شد، بازتاب کلام او در زندگی و رزم خلق است. کسرائی، مانند همیشه، با لبخندی دلنشین و محبت آمیز پشت میکروفن قرار می گیرد. شعرهایش در وجود جمعیت از نو سراییده میشود. همه تبادر و تشنه، با تمام سلولهای بدنشان گوش فرامیدهند. شعر عایش، یکی از پس دیگری، راه را بروی نفاق میبندد و همه را پشت سنگر اتحاد میخواند.

بعد از آن سرود مردم با کف زدنهای مستند ابراز محبت میکند. جمعیت خواستار خواندن خود راضی هستند و اخیراً سندیکا را تحت فشار قرار داده اند تا اخراج چند تن از عوامل رژیم گذشته را، که هنوز هم در کارخانه هستند، به مدیر کارخانه تحمیل کنند. اما سندیکا تاکنون نتوانسته است در این کار موفق شود و هنوز هم به قول کارگران «مفتخواران رژیم قبلی در کارخانه هستند».

آیا بر خوردهای وزارت کار پس از انقلاب با کارگران عوض شده است؟

کارگری مینویسد: «تا آنچه باینکه انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران وظیفه دارد باط استبداد و استعمار را از میهن عزیزمان ایران ریشه کن کند، هنوز در ادارات، بخصوص وزارت کار، اکثر ادبای رجوع کارگران هستند که زیر بار سرمایه خرد شده اند و امیدشان به دولت انقلابی است. ولی آیا وزارت کار امید کارگران را عملی میکند؟ من که خود یکی از پیششاهکارگرای هستم که برای احقاق حق خود و مساوی مربوط بخودمان وزارت کار رفت و آمد دارم، باید بگویم که در اوایل پیروزی انقلاب برخورد کلامندان وزارت کار با کارگران خیلی خوب و مصمم بود و نه تنها دیگر از آن دهن کجیهای رژیم شاه مخلوع و آن سرداننها خبری نبود ، بلکه اوضاع کاملاً عوض شده بود. از کارمندان ساده تا مشاورین و نریدر، اکثر تصمیمگیریها کارگر و نقش او را در انقلاب فراموش نیکردند. ولی نمیدانم چه دلیل این روش نهنها ادامه نیافت، بلکه کاملاً متوقف شد و بعد در جهت عکس حرکت ادامه داد.

دیگر از آن مصمیمت و بر خوردهای صحیح و رای بسه نفع کارگران خبری نند و هنوز هم خبری نیست. پس از هم کارفرما در بالا و کارگر در پایین است، یا بهتر بگویم سرمایه دار سواره است و کارگر پیاده.

در حاشیه برگزاری مراسم ۱۶ آذر

چرا توده‌ای‌ها به عمد فراموش می‌شوند؟

مراسم ۱۶ آذر و تجلیل از شهید دانشجو در نخستین سال آزادی ایران، با گستردگی تمام، از سوی گروه‌ها و سازمان‌های مختلف برگزار شد و از شهید دانشگاه تهران، به اخگری که در ساهیل دل آزادی از کودتا درخشیدند و هر چه پایبندی دانشجویان را برافراشته داشتند، با شور و هیجان تجلیل بعمل آمد. میبایست یادبود برگزار کردید. مساجدها انجام شد. خاطره‌های بی‌رنک از اعماق آذهان راه بیرون نمود. رنگ گرفت و هر ورق روزنامه‌ها جان یافت. و این همه موجب کمال شادمانی است، زیرا دلالت‌گر این معنا است که فریبان راه پیروزی و سعادت مردم فراموش نمی‌شوند، زندگی‌شان در قلبها و اندیشه‌ها ندام می‌یابد و آن‌ها که در عرصه طاغوت، خویش را فراموش کردند، سرانجام مهر تأیید مردم برسد فداکارشان می‌نشیند.

اما آنچه حیرت‌ناست، آنستکه در سراسر این مراسم پرشکوهِ در تمام مساجدها و نوشته‌ها هیچ گروه، هیچ سازمان سیاسی و هیچ روزنامه‌ای نگفت و نوشت که دولت از این سخن شهید، توده‌ای بودند، هیچ گروه، هیچ سازمان سیاسی و هیچ روزنامه‌ای نگفت و نوشت که هیچ‌کس یزدانیا و شریعت رضوی فرزندان برومند حزب ما و پیروان توده‌ایمان آن بودند و رادیو تلویزیون هم که در این «فراموشکاری» جای ویژه خود را دارند.

این عمد، این تشنه عیب، این کتمان آگاهانه حقیقت برای چیست؟

کسانی دو چشم خود را بر ما فرو بسته اند، مردم با هزاران چشم بر ما نظر دارند.

متن قرارداد های اسارت بار و غارتگر امپریالیستی را افشا کنید

بقیه از صفحه ۱
دنا سقوط شاه ۹۴۵ قرارداد با ایران بسته شده بود، بدون صورت حساب، (با مدارک شماره ۱۳ آذر)
این قراردادها، با کفایت، با تمام در زمینه خرید اسلحه، سفارش هواپیما، رادارها و تجهیزات نظامی... بوده است.
مادر حیرتیم که چرا طی ۱۰ ماه که از پیروزی نخستین مرحله انقلاب، یعنی سقوط رژیم محمدرضا در کشور ما میگذشت، هنوز متن این قراردادها، که بهترین اسناد افشاگر رژیم سربرده و تصویب اراده امپریالیست غارتگر و اسارتگر آمریکاهستند، انتشار نیافته اند.

ما در حیرتیم که در پیاده وجود و خود مستشاران نظامی آمریکایی در ارتش، هنوز هیچ اعلامیه رسمی از طرف هر مقام مسئولی صادر شده و این موضوع مهیج‌ترین در برده ایهام باقی مانده، که حتی اظهارات مقامات مسئول درباره آن نااهم گون است. یکی همگی مستشاران را اخراج شده میدانند، دیگری گروهی از آنها را باقی میماند و سومی ابراز عدم اطلاع میکنند.

ما در حیرتیم که چرا فهرست نام «ساواک‌ها»، که در دست مقامات مسئول است، انتشار نمی‌یابد، تا ایس عمل فعال رژیم سربرده امپریالیست شناخته شوند و دیگر نتوانند خود را در این اداره و آن وزارتخانه جا بزنند و حتی کرسی‌هایی نظیر کرسی‌های معاونت وزارت کشاورزی و بازرگانی را اشغال کنند.

ما واقعا در حیرتیم که چرا اسناد افشاگری، که نیاز به هیچ بررسی ندارند، «مواد تحت بررسی» قرار دارند و ایس «بهررسی» آنها ندارند. حتی مقامات مسئول تاکنون نگفته اند که این «بهررسی» لازم است، و چرا اینک که وزارت خارجه تصمیم به افشاء توطئه گریه‌های امپریالیست آمریکا - از کودتای ۲۸ مرداد

پلیس فرانسه از پخش روزنامه مردم جلوگیری میکند!

روزنامه مردم، در کنار سایر نشریات ایرانی بعد از انقلاب در فرانسه توزیع می‌شد. رفقای ما از چهار ماه قبل کلیه کارهای نادرکاتی لازم مربوط به انتشار و توزیع روزنامه مردم را به انجام رسانده و مدارک دال بر قانونی بودن روزنامه را به کمیسیون مطبوعاتی فرانسه ارائه داده‌اند. (این کمیسیون از نمایندگان مسئول دولت فرانسه تشکیل شده است.) با وجود ایس، پس از چند ماه توزیع روزنامه مردم در پیش از ده شهر فرانسه و اکثر کویسک‌های فروش نشریات پارسی و نیز میان دانشجویان ایرانی و کوی دانشگاه، اکنون پلیس فرانسه روزنامه مردم را در فرودگاه توقیف کرده است و بدون

برگزاری مراسم ۱۶ آذر در رشت



جمعه ۱۶ آذر، در بیست و ششمین سالگرد شهادت بزرگایا و شریعت رضوی (دانشجویان توده‌ای) و قندچی (هوادار مسدود) بدعوت سازمان جوانان دانشجویان دموکرات ایران در رشت، مراسم در دبیرستان آزادگان این شهر برگزار شد.
مراسم با پخش سرود حزب توده ایران و اعلام یک دقیقه سکوت با احترام شهادی ۱۶ آذر آغاز شد. پس از آن پیام سازمان جوانان دانشجویان ایران بنامیت این روز تاریخی قرائت شد.
آنگاه رفیق قمر گمش، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، که خود فارغ التحصیل این دبیرستان

توطئه حزب جمهوری خلق مسلمان برای راه پیمائی و در نتیجه ایجاد اغتشاش در تهران با شکست روبرو شد

از صبح دیروز با پخش اعلامیه‌هایی در چند نقطه تهران اعلام شد که حزب جمهوری خلق مسلمان بعد از یک روز مبارزه دست به راه پیمائی خواهد زد. ساعت این راه پیمائی ۲ بعد از ظهر و محل آن میدان امام حسین (فوزیه سابق) اعلام شده بود.
گفته میشد چند گروه و حزب سیاسی دیگر، از جمله حزب ایران، حزب جمهوریخواه و گروه آزادگان در این راه پیمائی شرکت خواهند داشت.
زودیک ظهر معلوم شد که نظر مسئولان تعبیر کرده و تنها مجلسی در مسجد امام حسین برگزار میشود.
حیرت‌انگیز روزنامه‌ها از صبح دیروز به محل حزب جمهوری

تقاضای انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان از طرف روحانیون مبارز و گروه‌های مختلف همچنان ادامه دارد

در دوروز اخیر جامعه روحانیت استان ایلام، انجمن دین و دانش و انجمن اسلامی دانش آموزان میانه هر یک جداگانه خواستار انحلال حزب خلق مسلمان شدند.
روحانیون مبارز آبادان و دزفول و شوشتر نیز طی نگرانی انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان را از حضرت آیت‌الله

آیت‌الله موسوی اردبیلی و آیت‌الله دکتر باهنر اعضای شورای انقلاب، از انحلال حزب جمهوری خلق مسلمان جانبداری کردند

دوشنبه شب گذشته، پس از جلسه مجلس شورای انقلاب، آیت‌الله موسوی اردبیلی در گفتگویی با خبرنگار کیهان اظهار داشت: «انحلال حزب خلق مسلمان از طرف علما و روحانیون و طایفه علوم دینی حواسته شده است و من هم شخصاً معتقدم چنانچه

خطر ضد انقلاب را دست کم نگیریم!

خبرهای رسیده از دوی و ابوظبی نشان می‌دهد که ایرانیان مقیم این مناطق زیر دگرگانی‌ها و ضد انقلابی قرار گرفته‌اند. تلویزیون دوی در برنامه شبانه خود، که بزبان فارسی پخش می‌شود، منادی تبلیغات ضد انقلابی علیه ایران است و سفارت جمهوری اسلامی ایران هم دست روی دست گذاشته است.
در تمام دستکام اداری سفارت، چند دوی و چند ابوظبی، تاکنون هیچ فعالیتی برای شناساندن انقلاب ایران انجام نشده و حتی یک شعار برف انقلاب ایران در شهر دیده نمی‌شود. مگر این یکی از وظایف اصلی هیات نمایندگی رسمی جمهوری اسلامی ایران در خارج نیست؟ افکار عمومی در این مناطق چرا باید جمهوری اسلامی ایران را «دورگو» و «ناپدید» کرده و... بدانند؟

چرا باید شعارهای مستهجن علیه انقلاب در همی بین مردم بخصوص ایرانیان پخش شود؟ کیهت که با ملاحظه این اعمال، بلافاصله یاد اعمال «ساواک» و «مهیو نیم» و «چهره خردان امپریالیست آمریکا» نیتند؟ چرا در مدرسه ایرانی (در دوی) باید پخش‌های زنده‌ای علیه رهبر انقلاب زنده شود؟ چه کسانی مسئولند؟ آیا می‌توان سرورن اعتمادی به ایالت کارکنان سفارت ایران داشت؟ آیا وزارت امور خارجه ایران در این برهه حساس از تاریخ ایران هنوز نمی‌خواهد لیست ساواکی‌های وزارت امور خارجه را منتشر کند؟ ماهیچه‌ها گفته‌اند که خلط ضد انقلاب را دست کم نگیریم و آنچه در داخل و خارج ایران و از جمله در دوی و ابوظبی می‌گذرد، باز در یک مؤید این است که این خطر اتفاقاً بسیار مهلک است!

تکذیب

در شماره ۱۱۲ «مردم» خبری چاپ شده بود، که یکی از دبیران سازمان انقلابی، در دبیرستان بازرگانی تهران، در دفتر دبیرستان در کلاسها، گفته که «چرا سقاقت شوروی اشغال نشود. این خبر با اعتبار نامه ای که از طرف اعضای شورای دانش آموزان دبیرستان مزبور امضاء شده، با اعتبار سخن نماینده شورا، کدر نام کلاسها تحقیق شده و معلوم شده که خبر مزبور دست نیست و همچنین بنا به نامه کادر آموزشی در همین زمینه، بدستوسله تکذیب میشود.

راهی باقیست؟

آنها میدان را ترک می‌کنند، اما نه بیاره را. دهقانان می‌آیند...
صحنه خالی نمی‌ماند. کشاورزان با خمسی و صف تا پذیر در صف دراز کفن پوشان از راه می‌رسند. با آمدن آنها شوری تازه همه چیز را از نو تکان می‌دهد. این زحمت‌کنان، این پایمال شدگان در زیر فشار امپریالیست و ثنودالیسم، مبتنی رنج و ستم را خوب می‌دانند. اینک آنها برای همگامی با خلق قبرمان خویش می‌پیش می‌آیند. چهره‌های درهم فرورفته، اشان رنج فراوانشان را به همراه دارد و مشت‌های گره کرده‌اشان، قلبهای پر زگیان‌شان را، در صف بلند اتحاد از قریه فارسجان فراوان آراک به تبران آمده‌اند. پیر و جوان خسته‌اند، اما پر از شور و خشم فریاد می‌زنند:
- تا آمریکا پاپرجاست، هر روز ما عاشوراست
هم می‌آیند، صحنه هرگز خالی نخواهد ماند. کشاورزان، دانش آموزان، کارگران، همه و همه دست در دست هم در کنار لانه جاسوسی همپیمان می‌شوند که تا مرگ امپریالیست از پای نمانند.

دبیرستان بنی‌صدر، ایوانکی‌اند، فریاد می‌کنند:
- در پاسخ به ندای امام خمینی، پیش با سوی ارتش یست میلیونی خلق
سرود می‌خوانند:
ایران، ایران، ایران، ای ایران! ما با هم متحد می‌شویم، تا برکتی ریشه آمریکا
فلسطین، فلسطین، فلسطین، ای فلسطین
ما با هم متحد می‌شویم تا برکتی ریشه اسرائیل.

بقیه از صفحه ۱
فریاد می‌کنند. فریاد آنها فریاد کودک ویتنامی است، فریاد کودک آنکولای، فلسطینی، کوبانی و...
کودکان ما می‌دانند که عذبه‌های امپریالیست، سب‌های اتمی، هیب سلاشان را به کور سپرده‌اند، آنها از زبان کودکان تحت ستم فریاد می‌کنند. از خشم آنها - پوستر از کودک ویتنامی در بند و امیر خشم به عیسیان می‌رسد. آنها دانش آموزان

فردا خیلی دیوست

در این روزها، خدا انقلاب را برایش نهیب زد آسای هر که بر اموریایسیم آمریکا، میکوشد تا دروازه چشم مردم، با هر وسیله‌ای که در دست دارد، زهر جانگانه خود را در بدن این ملت خون داد. ولی قهرمان، فروزیزد، گام باالیی ملوفدار کارگر پدی غذای رستوران کارخانه را پیراهن عثمان برای شورا ندن کارگر و تعطیل کارخانه میکند و گاه در مقام مدیریت کارخانه مواد اولیه را در انبارهای مختلف پنهان میکند و به پنهان فندان مواد اولیه در کارخانه را به روی کارگران مبارز و هیئتار وطن می‌بندد و آنها را در خیابانها و مقابل در وزارتخانه‌ها سرگردان می‌سازد.

دروغ همزنبه، ایجاد نزاع مهران مذهبها و غیر مذهبها و بزرگ کردن اختلافات کوچک بین کارگران کار روزمره آنهاست. از جمله در همین روزهای اخیر ما شاهد تعطیل اداره شماره گذاری و چند اداره دیگر اداره راهتنامی و راندگی بسوسیل سرهنگ فانی هستیم. این جناب سرهنگ که در دوران ریاست شهرداری نیکی بمدوم، معاونت او را در اجرای حیف و میلهای کلان برعهده داشت، هم اکنون نیز با تعطیل چند اداره و بیگارساختن تعداد زیادی کارمند معلول، به پنهان پوچ اختلافات داخلی، زمینه را برای سوء استفاده خدا انقلاب فراهم می‌کند.

تمام این موارد نشان می‌دهد که با کساری ادارات و کارخانه‌ها بخصوص در سطح بالا، امری است اکید، و اگر امروز انجام نشود، فردا دیگر دیر است. این برعهده شوراهای کارخانه‌ها و ادارات است که با تمام قدرت، امری کساری محیط کار خود را برعهده گیرند و با سرعت و جدیت کامل آنرا به انجام رسانند.

رفقای حزبی! هواداران و دوستان حزب!

اسناد حزبی (اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره در «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران را، با استفاده از تمام امکانات، بوسیله‌ترین شکل تکثیر کنید و به توده‌های مردم برسانید. در شرایط حساس کنونی این یک وظیفه میسر انقلابی است.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران
 خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
 تلفن: ۹۳۳۳۵۹-۹۳۵۷۲۸
 چاپ: کلان

MARDOM
 No. 115
 12 December 1979
 Price:
 West - Germany 0.80 DM
 France 1.30 fr
 Austria 8 sch.
 England 20 P.
 Belgium 10 fr.
 Italy 350 L.
 USA 50 Cts.

اما نترسید!

خبری میخواهیم به آگاهی شما برسانیم... بشرطی که نترسید. اخیراً سازمان جدیدی... نه خیر حزب نیست... سازمان جدیدی پیدا شده ترسناک و وحشتناک و دهشت- انگیز، که میتواند موبریدن هر توده‌ای را مست کند. نام سازمان، «سازمان ضد توده‌ای... (تسر سید)» (افاف) بروزن (اس اس) است، ولی البته رعب آن از اس اس (سازمان امنیت هیتلر) بیشتر است. چون هیتلر سنگینی باشد که بتواند مثل فاشیستهای وطنی سازمان درست کند. سازمان مخوف «افاف» متشکل است از ۵۰ نفر. ولی شما به کمیت توجه نکنید، اصل کیفیت است و کیفیت سازمان ضد توده‌ای «افاف» عالی است. اولاً بدلیل اینکه سازمان برنامه ندارد، یعنی محتاج برنامه نیست. برنامه «توده‌ای» هارا بر می‌دارد و ماده به ماده و نکته به نکته با آن ضدیست می‌کند.

این نوع تدوین برنامه بقدری مؤثر است که حتی ازانما سازمان پیداست. ثانیاً بدلیل اینکه سازمان روزنامه ندارد، یعنی روزنامه‌گذاری ندارد. روزنامه‌های را روی دیوار می‌نویسد، بسک «راجی بائوی چینی، یعنی از بسک ما تو بنجوی خلاق بهره‌بردا می‌کند. دومنر عضو سازمان، یکی سطلی پرازننگ سیاه در دست میگردیدگری قلممو. ومطالعه روزنامه در کوتاه ومختصر، در عوض پرممز و با مضمون بدیو اد می‌نویسد. سازمان تاکنون يك شماره از این روزنامه انتشار داده است. در آن نوشته شده: «ای توده‌ای‌های کثیف، آیا با دادن رای می‌توانید خیانت خود را در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جبران کنید؟» زیر این جمله کوبیده که تمام روزنامه‌ها اشتغال کرده، امضاء شده است: «سازمان ضد توده‌ای FF».

چنانکه می‌بینید در همین جمله کوتاه کوبنده مطالب مهمی که تاکنون پنهان مانده بود، کشف شده است. اولاً کشف شده است که «توده‌ایها» کثیف‌اند، یعنی حساس نمیروند. چرا حساس نمیروند؟ معلوم است. برای اینکه توده‌ای هستند. ثانیاً کشف مهم تاریخی بعمل آمده که توده‌ایها بوده‌اند که کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را انجام داده‌اند، نه «سیا». این کشف بخودی خود يك انقلاب علمی است. ثالثاً معلوم شده است که با دادن رای خیانت کودتای چیران- شدنی نیست، یعنی هر قدر توده‌ایها رای بدهند، فایده ندارد، کودتای ۲۸ مرداد سرچای خود بساقی است و در نتیجه حتی موئی هم اذسر هاشم‌شاه، کم نمیشود.

بر مبنای این سه کشف بزرگ، لازم آمده است که سازمانی با وظیفه، هدف و برنامه ضد توده‌ای تشکیل شود، که متشکل است. و چون این سازمان تشکیل شده، «توده‌ایها» باید، یعنی وظیفه دارند که بشترند، بخصوص اینکه دوحرف رمزی FF معرفت قدرت مخوف شرعی سازمان است.

مال ابتدا ترسان‌ولرزان درصدد برآمدیم که رمز را بکشیم. پس از کوششهای شبانه روزی فهمیدیم که دوحرف «افاف»، حروف اول دو کلمه است، که این کلمات قاعدتاً خیلی رعب‌انگیزند. ادامه کوشش در کشف این مجهول خوفناک قطع به حدسیاتی رسید، حروف «افاف»، میتواند حروف اول کلماتی باشد نظیر «فین فینی»، «فینتی فروش»، «فیل و فوجان»، یا شاید «فدائیان فرخ». ولی اینها حدس است و قابل اطمینان نیست. ماه به متخصصین ضد توده‌ای مراجعه کردیم تا با کمک کنند. ما توئیستها گفتند برسوید به «ساواکها» مراجعه کنید. «ساواکها» گفتند بروید نزد مأموران «سیا». ما آدرس مأموران «سیا» را گرفتیم، معلوم شد همان «سفارتخانه آمریکا است، که اشغال شده و اجازه ورود نیست. ما ندیدیم در ما، با کابوس دهشتناک «سازمان ضد توده‌ای FF»... اما شما نترسید!

آیا راست است که:

سرهنگ صحت، معاون مالی ساراگ زمسان بختیار، ومعاون سازمان امنیت مشهد در زمان نصیری، آزادانه در خیابانهای تهران میگردند؟

وی حکامی که در مشهد بود دانشجویان را شکنجه میداد و مدتی هم مأمور ساراگ در چالوس بود.

کاخ پیداد را زین کنیدیم خانه حزب را کنیم آباد

خانه حزب را پیاسازیم!

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلمین سالگرد تاسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و پیاساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همبستگی و خلقی شرکت کنید.

کمک مالی خود را به نام رضا شلتوکی، شماره بانکی ۸۸۸، بانک تهران، شعبه ابراهیم شمالی بپردازید.

توجه: ۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک تهران ممکن است. ۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

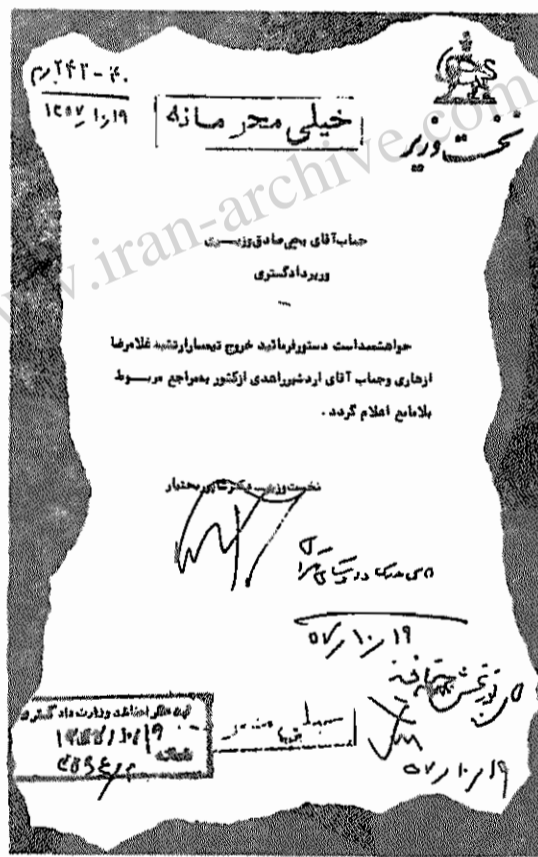
اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهر کرد اعلام کردند که با اختصاص يك روز حقوق خود در ماه برای حزب جهت برپا نمودن خانه حزب پاسخ مثبت میدهند.



شاه مخلوع - تخت سلطنت رو که ازم گرفتین، در بر دم کردین، ازغصه مریضم کردین، دیگه از «جونم» چی میخواهین؟ ملت- همون «جونتو»!!

(انقلاب اسلامی ۱۳ آذر)

سند خیانت بختیار



در مطبوعات کشور چرا «خلق مسلمانان» امیدوار است؟

... چرا دانشجویان بیرو خطا، اسنادی را که گفتند در روز اول تصرف سفارت آمریکا... یافته‌اند، انتشار نداده... سفارت آمریکا که نزدیک به سه ساعت در برابر دانشجویان مقاومت کرد و در این فاصله اسناد مهم طبقه بندی شده را سوزاند، چرا و چگونه اسنادی را که دال بر دخلت در امور داخلی ایران واقعا علیه جمهوری اسلامی است، بیجا گذاشته است؟ آیا این عجیب و غیر عادی نیست؟ («خلق مسلمانان» آذرماه - تکیه آزماست) خوشبختانه امیدواری آقایان چنداں بطول نیاچامید!

در راه صلح و تفاهم بین المللی

اتحاد شوروی از دیروز خراج نیروها و تانکهای خود را از يك یادگان در شهر ویتنام که در مرکز آلمان شرقی آغاز کرد. این اولین مرحلهی خروج نیروها است که حدود هزار تانک و بیست هن ازسپاه را در بر خواهد گرفت. در مراسم آغاز مراحل خروج که در حضور من ازها نفر برپا شد، هیچند تانک فوق‌مدرن ده-۶۲ شوروی با یک قطار به مسکو فرستاده شد. در راه جنگ و ویرانی ملت‌ها هلمسوت اسمیت صدراعظم آلمان غربی با ردیگر حمایت خود را از استقرار موشکهای با برد متوسط در اروپای غربی تسکید کرد و گفت اگر حزب سوسیال دمکرات در این مورد از اوجایت نکند، استعفا خواهد کرد. او گفت که متحدین غربی هیچ راهی بجز قبول استقرار ششم مونک برشینک و کسرونداردند چون شوروی ازین نظر برتری زیادی به اروپای غربی داند. (بامداد، ۱۵ آذر)

وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک خلق یمن طرح عمان را توطنه مخالفت آمریکا در منطقه دانست

سالم مسدخال وزیر امور خارجه جمهوری دموکراتیک خلق یمن امروز تأکید کرد که کشورش مخالف طرح عمان برای دفاع مشترک از تنگه هرمز است. وی که در يك مساجه با روزنامه کویتی السرای العلام شرکت کرده بود افزود، که این طرح طوریت که برای بهانه‌های ایالات متحده جهت دخالت نظامی در منطقه ریخته شده است. يك چنین حضور قبلا با ایجاد يك پایگاه آمریکائی در در سواحل ظفار آغاز شده است. وزیر خارجه جمهوری دموکراتیک خلق یمن از سوی دیگر خاطر نشان ساخت که پیمان دوستی و همکاری امضا شده میان این کشور و اتحاد شوروی بر علیه هیچ کشوری در منطقه نیست. (کیهان، ۱۹ آذر)

خود فروختگان حزب جمهوری خلق مسلمان

از جمله این بااصطلاح خود فروختگان توآنتند خود را در زیر لوای اسلام پنهان کرده موجبات عوامفریبی دمیان توده‌های مسلمان را فراهم آورند. حتی قسمتی از این خود فروختگان توانستند خود را در زیر لوای اسلام پنهان کرده موجبات عوامفریبی دمیان توده‌های مسلمان را فراهم آورند. متأسفانه با مردم‌فریبی توانست نماینده مجلس خبرگان نیز بشود. جنبش مسلمانان پیشکام لازم می‌داند که در این برهه حساس تاریخی کشورمان هشدار دهد که از قماش این بااصطلاح انقلابیون هنوز هستند که مشغول خرابکاری، تحریف مطالب و خیانت هستند. باید ما هشدار باشیم باید با اصلاحت افشاگری دست جناسی این (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸ آذر)

آمد نگاه بشاه مخلوع را نه ان تحو با، دهد